

جناب آقای چمن سرا، دادستان محترم فسا: (رونوشت به آقای سنایی، ریاست دادگستری فسا)

در هفته ای که گذشت، مصائب فراوانی بر اعضا و مسئولین موسسه علمی شیرین وارد آمد که قلب، روح و وجدان هر انسان آزاده و با شرافتی که از آنها با خبر شده است را به درد آورده و از قانون شکنی ها و بی عدالتی هایی که طی آن اتفاق افتاده است، حیران شده اند. ما در اولین مرحله این نامه را مستقیماً و رسماً به شما که باید حافظ منافع تمامی مردم باشید می نویسیم و امیدواریم که با آگاهی از این حقایق، فوراً به این بی عدالتی ها پایان دهید. در زیر توجه شما را به بعضی از وقایع کلیدی در این ماجرا جلب می کنم.

۱. در روز شنبه ۸ مهر ۱۳۸۵ حدود ساعت ۳:۳۰ عصر، جمعی از **مأمورین اداره اماکن نیروی انتظامی به سرپرستی سرگرد شفیعی**، تحت پشت نویسی شما تحت عنوان "ظن و گمان" تنها برای بازرسی به موسسه علمی شیرین مراجعه می کنند. هنگامی که حدود ساعت ۳:۴۵ من با عجله خود را به موسسه رساندم، شاهد بودم که یکی از مأمورین بدون اجازه من به پشت بام رفته و آنتن گیرنده ماهواره تصویری را از جا کنده و با خود به پایین آورده بود. در اینجا باید خاطر نشان سازم که دو سال قبل پس از نامه های رسمی از طریق فرماندار قبل مجوز استفاده از گیرنده ماهواره تصویری را طبق دستور مدیر کل اداره ارشاد استان فارس (آقای خردمند)، دریافت داشته بودیم. (مدرک شماره ۱ و ۲) و بصورت علنی در برنامه های خود از آن برای مقاصد آموزشی استفاده می کردیم. اینجانب شخصاً در ابتدای بازرسی این نامه را به مأمورین حاضر نشان دادم ولی آنها به آن اعتنایی نکردند و بدون رضایت من، به سایر قسمت های موسسه یورش برده و پس از بهم ریختن آنها، دو عدد کامپیوتر رومیزی، یک عدد کامپیوتر همراه، دهها CD و نشریه علمی، گیرنده و آنتن ماهواره (تصویری) را با خود بردند. در طول این مدت من قصد داشتم برای دسترسی و نشان دادن مجوزم، از ساختمان خارج شوم ولی آن **مأمورین بطور غیر قانونی برای حدود یک ساعت مرا در محل موسسه حبس کردند** و تهدید نمودند که اگر سعی کنم از ساختمان خارج شوم مرا دستبند زده و با خود خواهند برد. سپس آنها با دستور تلفنی شما موسسه حبس کردند و تهدید یکی از اعضا ما بنام آقای مقداد علی نژاد را که سعی در صورت برداری از نشریات و CD های علمی داشتند، دستبند زده و با خود بردند. در عصر و شب آن روز، ساعتها تلاش من برای دسترسی به مراجع قانونی برای اینکه به من اجازه دهند به موسسه که محل زندگی من و همسر (خانم مینا جعفرپور) بود، دستیابم، به هیچ نتیجه ای نرسید.

۲. در روز یکشنبه ۹ مهر من شخصاً در اتاق شما حضور یافتم و مجوز هایی که گواه استفاده قانونی ما از ماهواره بود را به شما نشان دادم. (مدرک شماره ۱ و ۲). در آن زمان شما اعلام کردید که بازرسی براساس نامه ای بوده است که آقای رضوی (رئیس اداره مخابرات فسا) به فرماندار (آقای زارع پور) نوشته بود. در آن نامه، آقای رضوی تنها شک و گمان خود را بر احتمال داشتن وسایل مخابراتی که ممکن بود آلودگی فرکانسی ایجاد نماید ابراز داشته بود ولی آقای فرماندار (زارع پور) از این بهانه استفاده کرده و از شما تقاضای بازرسی محل را می کند. در آن روز من با اصرار زیاد آمادگی خود را برای نشان دادن تمام قسمت های موسسه از جمله اتاق شخصیم (که محل زندگی من و همسر می باشد). را نیز اعلام کردم. به دنبال آن دهها نفر از جمله شما و همچنین رئیس اداره مخابرات (آقای رضوی) و مهندسان ایشان و چندین تن از **مأمورین اداره اطلاعات از جمله آقای مرزبان** که در جریان کامل تمام فعالیت های موسسه بوده است، حدود ظهر یکشنبه ۹ مهر، بار دیگر برای بازرسی به موسسه آمدند. آنها هیچ وسیله غیر مجازی را در آنجا پیدا نکردند ولی در پایان آقای رضوی اعلام کرد که چون با سیستم شبکه محلی کامپیوتر ما آشنایی ندارد (سیستم LAN بی سیم که از هر مغازه کامپیوتری قابل خرید است!)، باید تا زمان آمدن یک تیم رسمی از شیراز صبر کنیم. متأسفانه شما علیرغم درخواست ما نسب به ناعادلانه بودن یک چنین تصمیمی، **قصاص قبل از جرم کرده و مجدداً دستور پلمب موسسه ما را دادید.**

۳. من در روز سه شنبه ۱۱ مهر ۱۳۸۵ پس از قطع امید از مسئولان محلی به شیراز رفتم و ماجرا را با آقای چنکیز امیری (ریاست کل مخابرات استان فارس) در میان گذاشتم. همانگونه که استحضار دارید، ایشان روند قانونی برخورد با چنین مسائلی را به صورت زیر بیان نمودند:

- ارسال یک تیم متخصص قادر به تشخیص و تصمیم به محل
- دادن اخطار اول در صورت یافتن وسیله غیر مجاز.
- دادن اخطارهای دوم و سوم.
- و تنها در صورت عدم رعایت سه اخطار، در زمان معقول می توان دست به پلمب زد.

متأسفانه شما به خوبی شاهدید که روند غیر قانونی که بر ما گذشت، چگونه با پلمب نگه داشتن موسسه تا این لحظه، بدون هیچگونه نگرانی، به حیثیت من و صدها کادر متخصص و صادق این موسسه که بدون هیچگونه چشمداشت مادی به هزاران جوان کمک می کردند لطمات غیر قابل جبرانی وارد شده است. **آقای امیری در راستای اجرای وظایف قانونی، کاری و انسانی خود برای حل فوری این مسئله** دیروز چهارشنبه ۱۲ مهر ۱۳۸۵ سعی در ارسال بالاترین متخصصان اداره مخابرات کل استان فارس و ارتباطات رادیویی کل استان فارس را داشتند که متأسفانه به علت مرخصی دیروز شما، محقق نشد. این تیم قصد دارد، امروز برای فیصله دادن به این مسئله مهم از موسسه و همچنین تجهیزاتی که تحت همین بهانه توقیف شده اند، بازدید به عمل آورند.

۴. در حدود ساعت ۴ بعد از ظهر روز یکشنبه ۹ مهر ۱۳۸۵ نامه ای از فرماندار (آقای زارع پور) به دست من رسید که بدون هیچ دلیلی بیان می دارد که پروانه **N.G.O** ما لغو شده و بنابراین ما اجازه فعالیت نداریم. در روز ۱۰ مهر ۱۳۸۵ اینجانب جوابیه رسمی خود را (مدرک شماره ۳) شخصاً به فرماندار تحویل دادم. ایشان در حضور چندین فرد دیگر به صورت غیر قانونی به من اعلام می دارد که موسسه ما به علت لغو پروانه **N.G.O** منحل شده است و به صورت تهدید آمیزی بیان می دارد که اگر ما نام موسسه علمی شیرین را پاک نکنیم او اقدام به مصادره اموال شخصی من و دیگران که به صورت عاریعه برای استفاده هزاران جوان در اختیار موسسه علمی شیرین قرار داده شده است، خواهد زد.

جناب آقای دادستان، موسسه علمی شیرین با دستور فرماندار (آقای زارع پور) تأسیس نشده که بتوان آن را با دستور وی منحل نمود. موسسه علمی شیرین در سال ۱۳۸۱ پس از طی تمامی مراحل قانونی، به صورت یک موسسه غیر تجاری ثبت شده است (مدرک شماره ۴). پس از سالها فعالیت، بنا به پیشنهاد فرماندار سابق (آقای نوذر امامی)، پس از طی تمامی مراحل قانونی از جمله پرداخت صدها فرم و استعلام، پروانه N.G.O بودن خود را نیز در سال ۱۳۸۴ دریافت داشت. هر چند که لغو N.G.O موسسه با بهانه های واهی و مغرضانه انجام شده، ولی همانگونه که استحضار دارید، این مسئله هیچگونه تأثیر قانونی در فعالیت این موسسه که از سالها قبل مشغول خدمت بوده و مستقلاً ثبت شده، نخواهد داشت.

۵. متأسفانه شما تحت تأثیر اطلاعات غلطی که فرماندار (آقای زارع پور) به شما داده بود و بدون مشورت با ما یکطرفه قضاوت کردید و در جواب یکی از اعضای ما (آقای مقداد علی نژاد) که برای دادخواهی و باز پس گرفتن کامپیوتر شخصیش در روز سه شنبه ۱۱ مهر ۱۳۸۵ به شما مراجعه کرده بود، می گوید که: "عضویت در موسسه علمی شیرین جرمی است که علاوه بر جرائم نقدی دوسال نیز زندان داشته و اموال شما نیز بر نخواهد گشت؟! برای یک لحظه خود را به جای هزاران عضو این موسسه قرار داده و تصور کنید که یک چنین رعب و وحشت های غیر قانونی چه اثر هایی بر آنها و دیدشان از سیستم قضایی شما خواهد گذاشت.

۶. جناب آقای دادستان، من نظیر صدها کادر متخصص این موسسه با صرف وقت، پول و استعداد های خود، سعی زیادی در خدمت به جوانان داشته ام. من به عنوان فردی که مدرک دکترایم را از دانشگاه شماره یک جهان (MIT) امریکا در زمینه رباتیک و هوش مصنوعی گرفته ام، قادر بودم به جای خدمت به جوانان تنها به منافع شخصی خود بپردازم ولی بنا به وظیفه انسانی و اخلاقی خود و همچنین تشویق مقامات تراز اول مملکتی نظیر آقای محمد جواد ظریف (نماینده ایران در سازمان ملل) به فعالیت های انسان دوستانه خود ادامه داده ام (مدرک شماره ۵). امید من بر آن است که شما جزء کسانی قرار نگیرید که باعث محرومیت هزاران جوان از تسهیلات بی نظیری که ما برای آنها فراهم ساخته ایم، شوید. همانگونه که استحضار دارید، گزارشات مغرضانه، بی اساس، تنگ نظرانه و یا یکطرفه با عث اعمال روند غیر قانونی بر علیه موسسه علمی شیرین شده است ولی در این لحظه حقایق برای شما آشکار است و شما در موضعی هستید که بتوانید فوراً به این درد و رنج ها پایان دهید. بنابراین بار دیگر صریحاً خواستار لغو پلمب موسسه و برگرداندن تمامی وسایل توقیف شده به ما هستیم. همچنین مقتضی است اقدامات لازم در جهت جلوگیری از اعمال نظر های غیر قانونی را نیز به هر ترتیبی که صلاح می دانید، مبذول دارید.

با احترام و تشکر،

دکتر علی طالبی نژاد

مسئول موسسه علمی شیرین

سایر وقایع (بعد از تحویل نامه فوق):

در رابطه با مورد شماره ۳ این نامه:

کارشناسان اداره کل مخابرات استان فارس روز پنجشنبه ۸۵/۷/۱۳ برای بازدید از موسسه علمی شیرین به فسا آمدند ولی آقای زارع پور (فرماندار) بطور غیر قانونی از بازدید آنها جلوگیری کرده و آنها را به شیراز بازگرداندند.

در رابطه با مورد شماره ۵ این نامه:

آقای چمن سرا (دادستان فسا) اظهارات گفته شده خود به آقای مقداد علی نژاد را "شوخی" بیان داشته و به من اعلام آمادگی کرده اند که شخصاً برای رفع سوء تفاهم ایجاد شده، از آقای علی نژاد معذرت خواهی کنند. ما از این موضع گیری مثبت و قابل تقدیر آقای دادستان کمال تشکر را داریم زیرا محیطی ایجاد می کنند که اعضای ما به عضویتشان در موسسه علمی شیرین افتخار کنند.

(چند هفته بعد از اینکه محافظ کاران محلی قدرت گرفتند، آقای چمن سرا دوباره موضع خود را تغییر داده و اظهارات خود به دکتر طالبی نژاد را در مورد "معذرت خواهی" و "شوخی" تکذیب میکند!!)

آخرین ترفند غیر قانونی:

چند هفته بعد اینکه تمامی نیروهای اطلاعاتی و امنیتی دولتی و متحدان محافظه کار محلی آنها علیرغم تمامی ترفندهای خود نتوانستند دکتر طالبی نژاد از پیگیری برای احقاق حق و باز گشایی موسسه علمی شیرین باز دارند، چمن سرا (دادستان) بطور غیر موجه و غیر قانونی و تنها بر مبنای اتهامهای بی اساس و کذب عنوان شده در نامه ای از زارع پور (فرماندار فسا)، دکتر علی طالبی نژاد را به بالاترین جرم سیاسی ممکن یعنی "اقدام علیه امنیت ملی" متهم کرد و با "قرار بازداشت موقت" روانه زندان نموده و وی را ممنوع الخروج کرد. (نکته: در قرار بازداشت موقت فرد زندانی را نمیتوان با هیچگونه کفالت یا وثیقه ای از زندان آزاد کرد و آنها میتوانند برای ماهها و بدون محاکمه، متهم را در زندان نگاه دارند). نیروهای محافظه کار تمامی این ترفند ها را زمانی بکار گرفتند، که دکتر طالبی نژاد طبق معمول، پس از گذراندن تابستانش در موسسه علمی شیرین (فسا) در صدد بازگشت به آمریکا بود.

دست اندرکاران محافظه کار در این ترفندها، از هراس آشکار شدن اعمال غیر عادلانه و غیر قانونی خود، در تاریخ ۱ آبان ۱۳۸۵ دکتر طالبی نژاد را از زندان به شورای تأمین شهر فسا که به ریاست فرماندار (زارع پور) و با حضور دادستان (چمن سرا)، فرمانده تیپ سوم سپاه فارس (سرهنگ سطوتی)، فرمانده بسیج (سرهنگ صولتی)، رئیس اداره اطلاعات (کمالی)، فرمانده نیروهای انتظامی (سرهنگ محمود زاده) و رئیس حراست فرمانداری (مکاری) تشکیل شده بود، آوردند. همانگونه که در نامه موثق و امضا شده توسط اعضای شورای تأمین فسا منعکس شده است، دکتر طالبی نژاد را زمانی آزاد کردند که وی را مجبور به امضای تعهدی غیر قانونی کردند که از وی میخواست تا:

۱. هیچگونه فعالیت تحت عنوان موسسه علمی شیرین نداشته باشد!

۲. هیچگونه توضیحی در مورد این وقایع به اعضا و سایر مردم ندهد!

۳. هیچگونه توضیحی در این مورد به وسایل ارتباط جمعی داخلی و خارجی ندهد!

این وقایع گواه دیگری بر این واقعیت ساده است که بزرگترین هراس و نگرانی هر سامانه غیر دموکراتیک و غیر عادلانه، آگاه شدن مردم است. تنها "آگاه" واقعی موسسه علمی شیرین این بود که محیطی ایجاد کرده بود که در آن اعضایش سازنده، فکور و آگاه می شدند.